

تجارت نفت خام در خاورمیانه و قیمت گذاری فرمولی

فریدون فشارکی و حسان وحیدی

خاورمیانه مرکز ثقل بازار جهانی نفت محسوب می‌شود. این منطقه بزرگترین میادین نفتی را در بر گرفته است که دارای کمترین هزینه تولید بوده و ۶۶ درصد از ذخایر جهانی نفت را شامل می‌شود. البته این موضوع امر جدیدی نیست ولی با وجود آن، چیزی که باعث تعجب است این است که در مورد ماهیت صادرات، ماهیت خریداران و جهت‌گیری آینده تجارت نفت در این منطقه، اطلاعات اندکی وجود دارد. علاوه بر آن ابهام زیادی در مورد اینکه قیمت گذاری فرمولی (PRICING FORMULA) در آینده چگونه عمل خواهد کرد وجود دارد. این گزارش تلاش جامعی برای توضیح این موضوعات است.

غیرقابل پیش‌بینی دارد و دولت کویت نیز هدف بلند پروازانه رسیدن به ۳ میلیون بشکه در روز را دنبال می‌کند (شامل سهم این کشور از منطقه بی طرف) که مبنای سناریوی بالا را تشکیل می‌دهد.

صادرکنندگان عمده نفت

عربستان

عربستان در حال حاضر ظرفیتی معادل ۱۰ میلیون بشکه در روز دارد. (جدول ۲) و تقریباً ۸/۳ میلیون بشکه در روز تولید می‌کند. ما پیش‌بینی نمی‌کنیم که افزایش چشمگیری در ظرفیت تولید عربستان به وجود آید و احتمال زیادی وجود دارد که تا سال ۲۰۰۵ همچنان ظرفیت تولید این کشور در محدوده ۱۱/۵-۱۰ میلیون بشکه در روز باقی بماند.

عربستان مجموعه‌ای از نفت خام‌ها را تولید می‌کند. از نفت خام بسیار سبک گرفته تا نفت خام سنگین، در بین نفت خام‌های تولیدی عربستان وجود دارد. از لحاظ تاریخی نفت خام سبک و نفت خام سنگین، نفت خام‌های اصلی این کشور هستند.

ژاپن، کره، چین و هندوستان واردکنندگان عمده نفت خام در آسیا هستند. در خارج از آسیا و غرب صنعتی، سایر کشورهای در حال توسعه نقش بسیار حاشیه‌ای دارند یعنی فقط ۴ درصد از صادرات نفت خام خلیج فارس به آفریقا و ۲ درصد به آمریکای جنوبی می‌رود. صادرات خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ به میزان ۱۳ میلیون بشکه در روز بود و تا سال ۲۰۰۰ به سطح ۱۷/۸ میلیون بشکه در روز رسید.

ظرفیت تولید خاورمیانه

در حال حاضر ظرفیت تولیدکنندگان عمده نفت در خاورمیانه در حدود ۲۳ میلیون بشکه در روز است و پیش‌بینی نمی‌کنیم افزایش چشمگیری در ظرفیت تولید آنها در آینده نزدیک صورت گیرد. براساس سناریوی بالا ممکن است ظرفیت تولید خاورمیانه تا سال ۲۰۰۵ به میزان ۶ میلیون بشکه در روز رشد داشته باشد (جدول ۲).

به هر حال احتمال آن بیشتر است که تا سال ۲۰۰۵ مقدار افزایش ظرفیت فقط ۳/۶ میلیون بشکه در روز باشد. عراق همچنان وضعیتی

ماهیت نفت خام‌های خلیج فارس

نفت خام‌های خلیج فارس تمامی انواع و اقسام نفت خام‌ها را در بر می‌گیرد. این نفت خام‌ها طیف گسترده‌ای از نفت خام بسیار سبک عربستان (ARAB SUPER LIGHT) با درجه گرانروی (API) معادل ۵۰ درجه و گوگرد ۴ درصد گرفته تا نفت خام و فرا (WAFRA) با درجه گرانروی معادل ۲۴ درجه و گوگرد ۴ درصد را در بر می‌گیرند و همچنین نفت میعانی (CONDENSATE) بسیار سبک با گوگرد بالا و نفت خام‌های معدودی با گوگرد متوسط نیز در این منطقه تولید می‌شود که در جدول ۱، قابل مشاهده است.

کشورهای خلیج فارس نفت خود را تقریباً به تمامی جهان صادر می‌کنند. از اواخر دهه ۸۰ میلادی صادرات به آسیا به صورت چشمگیری افزایش یافته است. در سال ۲۰۰۰ تقریباً ۶۰ درصد صادرات نفت خام خلیج فارس به آسیا ارسال شد در حالی که، ۲۱ درصد به اروپا و ۱۴ درصد به آمریکا صادر شد. در آسیا، ژاپن به تنهایی ۴۰ درصد از کل واردات را بر عهده دارد.

جدول ۱. نفت خام‌های خاورمیانه: نفت خام‌های اصلی براساس تولید سال ۲۰۰۱

نام کشور	نام نفت خام	درجه گراندروی	درصد وزن	درصد از تولید
عربستان سعودی	نفت سبک عربستان	۳۲/۷۰	۱/۸	۵۸
	نفت فوق سبک عربستان	۳۸/۴	۱/۱۶	۱۷
	نفت متوسط عربستان	۳۱/۸	۲/۴۵	۱۵
	نفت سنگین عربستان	۲۷/۵	۲/۹۲	۹
	نفت بسیار سبک عربستان	۵۰/۶	۰/۰۴	۲
ج.ا. ایران	نفت سبک ایران	۳۳/۱۰	۱/۵۰	۴۴
	نفت سنگین ایران	۳۰/۲۰	۱/۷۷	۴۱
	فروزان	۳۰/۷۰	۲/۵۰	۱۰
	سیری	۳۰/۳۰	۲/۲۶	۳
	مخلوط لاروان	۳۴/۳۰	۱/۸۷	۲
عراق	نفت سبک بصره	۳۳/۳۰	۲	۵۰
	نفت کرکوک	۳۵	۲	۵۰
کویت	نفت خام صادراتی کویت	۳۰/۵۰	۲/۵۵	۵۰
	منطقه بی طرف	۲۸/۵۰	۲/۸۵	۵۰
عمان	وقرا	۲۴/۲۰	۴	۱۵
	عمان	۳۳/۳۰	۱/۰۶	۳۵
قطر	الشاهین	۳۰	۲/۱۵	۱۵
	دخان	۴۱/۱۰	۱/۲۲	۳۵
	قطر مارین	۳۶/۲۰	۱/۶۰	۳۲
	نفت میعانی میدان شمالی	۵۸/۱۰	۰/۲۲	۱۸
امارات	موریان	۴۰/۴۰	۰/۷۹	۴۲
	زقوم علیا	۳۴	۱/۷۸	۲۸
	ام شیف / زقوم سفلی	۳۶/۸	۱/۳۸	۲۰
	دبی	۳۱	۲/۰۴	۹
	حداقل	۲۴/۲۰	۰/۰۴	-
	حداکثر	۵۸/۱۰	۴	-

جدول ۲. پیش‌بینی‌های ظرفیت تولید خاورمیانه تا سال ۲۰۰۵

(هزار بشکه در روز)

ظرفیت واقعی	سناریوی پایه		سناریوی بالا		سناریوی پایین	
	۲۰۰۵	۲۰۰۱	۲۰۰۵	۲۰۰۱	۲۰۰۵	۲۰۰۱
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	*۱۱۵۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۳۷۰۰	۳۹۵۰	۴۷۵۰	۴۰۵۰	۵۰۰۰	۳۷۰۰	۴۰۰۰
۲۸۱۲	۳۱۰۰	۴۰۰۰	۳۳۰۰	۴۵۰۰	۳۳۰۰	۳۳۰۰
۲۴۲۰	۲۵۵۰	۳۰۵۰	۲۷۵۰	۳۳۰۰	۲۴۲۰	۲۷۰۰
۱۹۲۵	۲۱۲۵	۲۶۵۰	۲۱۷۵	۲۷۵۰	۱۹۲۵	۲۱۲۵
۶۵۰	۶۵۰	۸۰۰	۶۵۰	۱۰۰۰	۶۵۰	۶۵۰
۷۵۶	۸۵۰	۱۱۰۰	۹۵۰	۱۲۰۰	۸۰۰	۱۰۲۰
۲۲۲۷۳	۲۳۲۲۵	۲۶۸۵۰	۲۳۸۷۵	۲۹۲۵۰	۲۲۵۰۵	۲۳۷۹۵

* شامل نفت میعانی

منبع:

FACTS ENERGY ADVISORY= 251, OPEC PRODUCTION CAPACITY TRENDS: A QUIET REVOLUTION- MEEs, 28 MAY 2001.

نفت خام سبک عربستان

منبع اصلی تولید نفت خام عربستان است

که تولید آن به بیش از

۵ میلیون بشکه در روز می‌رسد

و ظرفیت مازاد نیز دارد

با توجه به

سیستم سهمیه‌بندی

تولیدکنندگان تمایل دارند

نفت خام‌هایی را صادر کنند

که دارای بیشترین قیمت باشد

نفت خام فوق‌العاده سبک عربستان (ARAB EXTRA LIGHT) نفت فرعی این کشور است که بعد از کشف میدان نفتی شبیه (SHAYBAH) با مخلوط کردن نفت میعانی با نفت حاصل از آن میدان، به بازار عرضه شد. مقدار تولید نفت خام فوق‌العاده سبک عربستان در حال حاضر به ۱/۳ میلیون بشکه در روز می‌رسد. اما تولید نفت بسیار سبک عربستان نیز به سطح ۱۲۰ هزار بشکه در روز تنزل یافته است در حالی که تا چند سال قبل تولید آن به ۲۰۰ هزار بشکه در روز می‌رسید و احتمال دارد که به آرامی تا سال ۲۰۰۵ به سطح ۱۰۰ هزار بشکه در روز تنزل یابد. نفت خام سبک عربستان (ARAB LIGHT) منبع اصلی تولید نفت خام عربستان است که تولید آن به بیش از ۵ میلیون بشکه در روز می‌رسد و دارای ظرفیت مازاد نیز هست. تولید نفت خام‌های سنگین (ARAB HEAVY) و متوسط (ARAB MEDIUM) عربستان برای رعایت سهمیه‌بندی اوپک کاهش یافته تا به این ترتیب تولید نفت خام‌های سبک و فوق‌العاده سبک به حداکثر مقدار خود برسد. با توجه به سیستم سهمیه‌بندی، تولیدکنندگان تمایل دارند نفت خام‌هایی را صادر کنند که دارای بیشترین قیمت باشد. نفت خام سنگین عربستان تولیدی در حدود ۷۰۰ هزار بشکه در روز دارد که حداقل مقداری است که برای جلوگیری از آسیب رسیدن به میادین نفتی می‌بایست تولید شود. جهت مصرف داخلی، عربستان از نفت خام‌های سنگین و بسیار سبک خود استفاده نمی‌کند و حتی از نفت خام متوسط خود نیز استفاده چندانی به عمل نمی‌آورد. اما نفت خام سبک به صورت کاملاً گسترده‌ای در پالایشگاه‌های داخلی مورد استفاده می‌گیرد علاوه بر آن در حدود ۲۰۰ الی ۲۵۰ هزار بشکه در روز نیز نفت خام فوق‌العاده سبک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

صادرات عربستان از ۶ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۰ به ۷/۶ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است. عربستان سعی می‌کند هدف استراتژیک خود برای باقی ماندن در جایگاه اولین صادرکننده نفت خام به آمریکا را همچنان حفظ کند. این موضوع برای عربستان اهمیت بسیار زیادی دارد و تاکنون این کشور در احراز این جایگاه موفق بوده است.

عربستان مصرف‌کنندگان متنوعی دارد. حجم قراردادهای مدت‌دار (TERN CONTRACTS) فروش نفت در سال ۲۰۰۱ به ۶/۵ میلیون بشکه در روز رسید، ۳۸ درصد از این قراردادها به خریداران آسیا-پاسفیک فروخته شد، در حدود ۱۴ درصد از آنها به اروپا و آفریقا و ۱۹ درصد نیز به آمریکا تعلق گرفت.

شرکت‌های عمده نیز ۲۹ درصد از این قراردادها را خریداری می‌کنند. ما جزئیات این که شرکت‌های عمده، نفت خام خریداری شده خود را به کجا صادر کردند، نداریم اما انتظار داریم که بخش عمده‌ای از آن به دست شرکت‌های فرعی وابسته به این شرکت‌ها در آسیا رسیده باشد. در بین خریداران نفت خام آسیا-پاسفیک، ژاپن با خرید ۳۰ درصد در صدر قرار دارد و به دنبال آن نیز کره جنوبی قرار گرفته است. دیگر خریداران عمده نفت عربستان، کشورهای هند و چین هستند که بر روی هم رفته ۲۰ درصد از واردات آسیا را به خود اختصاص داده‌اند.

ایران

ایران دومین تولیدکننده بزرگ اوپک است که اخیراً سیاست‌هایی را در پیش گرفته تا با جذب سرمایه‌های خارجی ظرفیت خود را توسعه دهد. جدول ۲ نشان دهنده تخمین ما در مورد ظرفیت تولید ایران است. ایران در حال حاضر نزدیک به ظرفیت خود تولید می‌کند. تولید ایران در سال

۲۰۰۱ در سطح ۳/۸۹ میلیون بشکه در روز تخمین زده شده که کمتر از ظرفیت تولید آن است. در سناریوی پایه، ظرفیت تولید نفت خام ایران تا سال ۲۰۰۵ به میزان ۲۰ درصد رشد خواهد داشت. در همین مدت رشد افزایش تولید نیز به مقدار ۲۲ درصد خواهد بود. در حالی که صادرات در طی سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۵ رشدی معادل ۷ درصد خواهد داشت. این ارقام با توجه به این که پیش‌بینی می‌شود مصرف داخلی ایران افزایش می‌یابد، تنظیم شده است. انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۰۵ ظرفیت پالایش ایران به مقدار ۹۰ هزار بشکه در روز افزایش یابد. نفت خام سنگین و نفت خام سبک ایران در حدود ۸۵ درصد از کل تولید نفت خام این کشور را تشکیل می‌دهد. این دو نوع نفت خام به ترتیب دارای گرانروی ۳۰ و ۳۳ درجه بوده و مقدار گوگرد آنها نیز معادل ۱/۷۵ - ۱/۵ درصد است. پیش‌بینی می‌شود نفت خام‌های جدیدی نیز که از قراردادهای بیع متقابل (BUY BACK) به دست آید جهت دریافت‌کنندگان اصلی نفت خام ایران که کشورهای عضو اتحادیه اروپا و منطقه آسیا-پاسفیک هستند برنامه‌ریزی شود. سهم عمده نفت خام سبک‌تر مخلوط لاوان (LAVAN BLEND) و نفت خام سنگین‌تر سیری (SIRRI) و نفت خام‌های مخلوط فروزان (FOROOZAN) از طریق قراردادهای مدت‌دار به مشتریان آسیا-پاسفیک فروخته می‌شود. مشتریان عمده نفت خام مخلوط لاوان را شرکت‌های نفتی هندی و ژاپنی تشکیل می‌دهند.

یکی از چهره‌های کاملاً غیرمعمول صادرات ایران، برداشت نفت خام‌هایی است که توسط شرکت نیکو (NICO) صورت می‌گیرد. در سال‌های ۲۰۰۰ و ۱۹۹۹ شرکت نیکو (NICO) در حدود ۶ الی ۷ درصد از صادرات نفت ایران را

در دست خود گرفته بود که تقریباً معادل ۱۵۰ هزار بشکه در روز می‌شد (این شرکت صددرصد متعلق به شرکت ملی نفت ایران است و در شهر جرسی (JERSEY) ثبت شده است). شرکت نیکو نفت خام ایران را به بازارهایی صادر می‌کند که شرکت ملی نفت ایران به طور سنتی، صادراتی به آنجا نداشته است، مانند جمهوری‌های سابق روسیه، آفریقا و امریکای لاتین. شرکت نیکو همچنین می‌تواند از شرکت ملی نفت ایران براساس قیمت‌های بازار، نفت خام خریداری کرده و آن را به دیگران بفروشد.

علاوه بر آن این شرکت می‌تواند در معاملات آتی (FUTURES MARKETS) در بورس‌های نفتی وارد شده و اقدامات تأمینی (HEDGING) داشته باشد یا اینکه نفت خام مزبور را در معاملات تجارتمی که دارد، بکار گیرد.

عراق

عراق بعد از عربستان دارای دومین ذخایر اثبات شده بزرگ جهان است. براساس سطح تولید فعلی، ذخایر عراق تا صد سال دیگر نیز دوام خواهد یافت. اگر ذخایر محتمل (PROBABLE RESERVES) و ذخایر ممکن (POSSIBLE RESERVES) را نیز به ذخایر اثبات شده عراق اضافه کنیم، مدت زمان دوام ذخایر عراق باز هم بیشتر خواهد شد. ظرفیت تولید فعلی عراق در سطح ۳/۱ میلیون بشکه در روز است (جدول ۲) که تقریباً نزدیک به سطح تولید این کشور (۲/۸ میلیون بشکه در روز) است. به هر حال ظرفیت تولید عراق می‌تواند تا سال ۲۰۰۵ به سطح ۳ الی ۴/۵ میلیون بشکه در روز برسد. این موضوع به چندین عامل بستگی دارد. مهمترین عامل این است که شرکت‌های بین‌المللی نفتی تا چه اندازه‌ای در تعمیر و نگهداری و بخش بالادستی نفت عراق وارد خواهند شد و سرمایه‌گذاری خواهند کرد؟ عراق نیازمند آن است که سرمایه‌گذاری بیشتری برای سر و سامان دادن به زیر ساخت‌های رنجور خود انجام دهد در این مورد در سال‌های گذشته گام‌های مثبتی برداشته شد و سازمان ملل اجازه داد که مقدار سرمایه قابل صرف در بخش نفت عراق دو برابر شود. تولید و صادرات نفت عراق پیش‌بینی می‌شود که از سال ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۵ به میزان ۴۰ درصد افزایش یابد.

عراق دو نوع نفت خام عمده تولید می‌کند که عبارتند از نفت خام کرکوک (KIRKUK) از

میدان نفتی کرکوک و نفت خام سبک بصره (BASRAH LIGHT) از میدان نفتی رمیله (RUMAILA). در سال‌های اخیر مخلوط نفت خام بصره سنگین‌تر شده است زیرا نفت خام‌های با گرانی ۳۰-۲۹ درجه بیشتری در این ترکیب بکار گرفته می‌شود. گرانی مخلوط بصره در حال حاضر به میزان ۳۲-۳۰ درجه است در حالی که قبلاً گرانی آن به میزان ۳۴ درجه بود. نفت خام کرکوک در مقایسه با نفت خام بصره، سبک‌تر است. ولی به هر حال کیفیت آن نیز به دلیل مخلوط کردن نفتا (NAFTHA) و نفت کوره بدتر شده است.

بعد از آنکه سازمان ملل برنامه صادرات نفت در مقابل واردات غذا را در سال ۱۹۹۵ تصویب کرد عراق توانست بعد از جنگ خلیج فارس صادرات نفت خود را از سر بگیرد. صادرات نفت عراق از سال ۱۹۹۷ به بعد مرتباً در حال افزایش است. بیشتر نفت عراق به سمت غرب حرکت می‌کند. نفت خام کرکوک با انتقال از طریق خط لوله از طریق بندر سیهان در ترکیه صادر می‌شود. بنابراین بیشترین بازار آن در حوزه آتلانتیک بوده و مقصد اصلی نفت خام بصره نیز آسیا-پاسفیک و امریکا است. در سال ۲۰۰۰ اروپا و امریکا تقریباً ۷۰ درصد از فروش نفت عراق را جذب کردند.

امارات

امارات متحده عربی، فدراسیونی است که از هفت امیرنشین تشکیل شده است. در این میان ابوظبی تقریباً ۹۵ درصد از ذخایر اثبات شده امارات را در اختیار دارد. بعد از آن دبی، شارجه و سایر امیرنشین‌ها قرار دارند. در مجموع تولید فعلی نفت خام امارات در سطح ۲/۴ میلیون بشکه در روز قرار دارد که نزدیک به ظرفیت تولید این کشور است. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۰۵ تقریباً ۲۰ درصد افزایش در ظرفیت تولید امارات صورت گیرد (جدول ۲).

به همین ترتیب پیش‌بینی می‌شود تولید امارات نیز تقریباً در همین دوره به میزان ۱۵ درصد افزایش یابد. نفت خام‌های مخلوط صادراتی ابوظبی عمدتاً شامل نفت خام موربان (MURBAN) می‌شود که تقریباً ۴۰ درصد از کل صادرات نفت خام امارات را در بر می‌گیرد. این نفت خام گرانی بالایی داشته و در عین حال گوگرد پایینی دارد (جدول ۲). با توجه به اینکه فرآورده‌های میان تقطیر (MIDDLE DISTILLATES) بیشتری از این نوع نفت خام

به دست می‌آید. بنابراین بازاریابی آن بیشتر در منطقه آسیا-پاسفیک صورت می‌گیرد. که در این میان خریداران ژاپنی با قراردادهای بلند مدت (TERM CONTRACT) در صدر قرار دارند.

در کنار نفت خام موربان، نفت خام‌های زقوم علیا و سفلی (Upper Zakun & Lower Zakun) نیز قرار دارند که عمدتاً بازاریابی آنها در سمت شرق صورت می‌گیرد. نفت خام زقوم سفلی تقریباً به طور انحصاری به ژاپن فروخته می‌شود. سایر مشتریان این نفت خام شامل کره جنوبی و سنگاپور هستند و نفت خام زقوم علیا نیز به پالایشگران ژاپنی، سنگاپوری و کره جنوبی فروخته می‌شود. بنابراین بیشتر نفت خام‌های ابوظبی به سمت شرق می‌رود. در سال‌های اخیر ژاپن تقریباً ۶۰ درصد از نفت خام‌های امارات را خریداری کرده است.

نفت خام دبی (DUBAI CRUDES) در سال‌های اخیر مرکز توجهات همگان بوده است. زیرا این نفت خام شاخص قیمت نفت خام‌های خاورمیانه بوده که به آسیا-پاسفیک فروخته می‌شود. اما در سال‌های اخیر تولید آن به طور محسوسی کاهش یافته و از ۴۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۹۰ به تقریباً ۱۷۰ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۰۰ تنزل یافته است. پیش‌بینی می‌شود که تولید آن در میان مدت باز هم کاهش پیدا کرده و به ۱۰۰ هزار بشکه در روز تنزل یابد. با کاهش حجم تجاری آن، واردکنندگان نفت خام، قابلیت آن را به عنوان شاخص قیمت مورد سؤال قرار داده‌اند زیرا به علت محدود بودن حجم تجاری نفت خام دبی، تعداد اندکی از معامله‌گران نیز می‌توانند قیمت آن را دستکاری (MANIPULATE) کرده و بنابراین قیمت فروش نفت خام‌های خاورمیانه را که به منطقه آسیا-پاسفیک صادر می‌شود تحت تأثیر قرار دهند. بنابراین فشار فزاینده‌ای برای انتخاب نفت خام شاخص که به صورت گسترده‌تری مورد معامله قرار گیرد وجود دارد تا شاخص شفاف‌تری برای نفت خام‌های خاورمیانه که به مقصد شرق صادر می‌شود، یافته شود.

کویت

کویت اندکی کمتر از یک دهم ذخایر جهانی نفت را در اختیار دارد که با توجه به نرخ تولید فعلی، ذخایر کویت بیش از صد سال دیگر نیز دوام خواهد داشت. کویت یکی از کشورهای منطقه است که دارای ظرفیت مازاد چشمگیری

ظرفیت تولید نفت خام ایران تا سال ۲۰۰۵
به میزان ۲۰ درصد رشد خواهد داشت.
در همین مدت رشد افزایش تولید نیز
به مقدار ۲۲ درصد خواهد بود. در حالی که
صادرات در طی سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۵
رشدی معادل ۷ درصد خواهد داشت

پیش‌بینی می‌شود نفت خام‌های جدیدی نیز که از
قراردادهای بیع متقابل (BUY-BACK)
به دست می‌آید
جهت دریافت‌کنندگان اصلی نفت خام ایران
که کشورهای عضو اتحادیه اروپا
و منطقه آسیا - پاسیفیک هستند بر نامه‌ریزی شود

عمان

تولید نفت عمان پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۰۵ به میزان ۷ درصد رشد داشته باشد. در حال حاضر تولید نفت خام عمان در سطح ۹۶۵ هزار بشکه در روز قرار دارد. تولید میادین مختلف عمان با یکدیگر ترکیب شده و یک نوع نفت خام را تشکیل می‌دهد. این نفت خام دارای گرانشی ۳۳/۳ درجه بوده و مقدار گوگرد آن ۱/۰۶ درصد است که اندکی بهتر از متوسط نفت خام‌های خاورمیانه است. با توجه به مصرف پایین نفت خام در کشور عمان، این کشور اکثر تولید خود را صادر می‌کند. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۰۵ صادرات عمان ۸ درصد اضافه شود. در سال ۲۰۰۰ تولید عمان کمتر از یک درصد افزایش یافت که عقب‌تر از برنامه تولید ۸۵۰ هزار بشکه در روز بود و علت آن نیز استمرار کاهش تولید نفت YIBAL بود.

تقریباً ۵۰ درصد از نفت عمان (OMAN) از طریق قراردادهای مدت دار فروخته می‌شود. بیشتر آن نیز به سمت شرق صادر می‌شود و گاهی اوقات نیز محموله‌هایی به سمت حوزه آتلانتیک و کرانه غربی آمریکا ارسال می‌شود. عمده‌ترین واردکنندگان نفت خام عمان در منطقه آسیا - پاسیفیک کشورهای ژاپن، تایلند، کره جنوبی و چین هستند. چین در سال ۲۰۰۰ بیش از یک سوم از نفت خام عمان را خریداری کرد.

نفت خام عمان کاندیدای جدی برای جایگزینی نفت خام دبی به عنوان شاخص نفت خام‌های خاورمیانه است که به کشورهای آسیا - پاسیفیک فروخته می‌شود، زیرا تولید نفت خام دبی به تدریج در حال کاهش است و محموله‌های نفت خام دبی که مورد معامله قرار می‌گیرند، از لحاظ قیمت، مشکوک به دستکاری هستند و صلاحیت شاخص بودن آن مورد سؤال

است که تقریباً در حال حاضر حجم آن به ۱۰ درصد کل ظرفیت تولید این کشور بالغ می‌شود. ظرفیت فعلی تولید کویت به ۲/۱۲۵ میلیون بشکه در روز می‌رسد و پیش‌بینی شده است که تا سال ۲۰۰۵ حجم آن ۲۵ درصد افزایش یابد. اگر دولت کویت بر مشکلات تصمیم‌گیری در مورد صدور اجازه سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی نفتی در بخش بالادستی نفت فائق آید، ممکن است تا سال ۲۰۰۵ ظرفیت تولید این کشور به ۳ میلیون بشکه در روز هم افزایش یابد. تسوید نفت خام صادراتی کویت (KUWAIT EXPORT CRUDE: KEC)، پیش‌بینی شده که تا سال ۲۰۰۵ در حدود ۲۶ درصد افزایش یابد (جدول ۲). پیش‌بینی می‌شود در همین دوره در صورت عدم افزایش قابل توجه ظرفیت پالایشی کویت، صادرات نفت خام این کشور افزایش خواهد یافت. میادین نفتی کویت دارای نفت خام‌های متوسط تا سنگین است که گرانشی آنها ۳۰ الی ۳۶ درجه است. صادرات نفت کویت ترکیبی از نفت خام این میادین است. همچنین مقداری نفت خام ترش (SOUR CRUDE) نیز از منطقه بی‌طرف صادر می‌کند که شامل نفت خام خفجی (KHAFI) و نفت خام و فرا (WAFRA) می‌شود (جدول ۱). به هر حال نفت خام مخلوطی که نهایتاً از کویت صادر می‌شود درجه گرانشی ۳۰/۵ درجه و گوگرد ۲/۵۵ درصد دارد.

بیشتر نفت خام کویت به سمت شرق می‌رود، آمریکا و اتحادیه اروپا نیز تقریباً یک چهارم از صادرات نفت کویت را جذب می‌کنند. در سال ۲۰۰۰ ژاپن تقریباً ۲۴ درصد از صادرات نفت کویت را برداشت کرد. علاوه بر ژاپن پالایشگران هند، سنگاپور، کره جنوبی، تایوان و تایلند نیز نفت کویت را وارد می‌کنند.

قطر

بنابراین یک نفت خام شاخص جایگزین مانند نفت خام عمان که حجم صادرات آن به ۸۰۰ الی ۹۰۰ هزار بشکه در روز می‌رسد ممکن است جایگزین آن شود. به هر حال نظرات مخالف هم وجود دارد. مخالفین جایگزینی نفت خام عمان به جای شاخص دبی می‌گویند که شرکت شل (SHELL) دارای ۳۴ درصد سهم در شرکت توسعه نفت عمان است و این موضوع وضعیتی را به وجود خواهد آورد که یک تولیدکننده به تنهایی (شرکت شل) بتواند تأثیر عمده‌ای بر قیمت‌های نفت داشته باشد.

قطر

قطر در حال حاضر نزدیک به ظرفیت یعنی سطح ۸۵۰ هزار بشکه در روز نفت تولید می‌کند (جدول ۲). قطر چهار نوع نفت خام عمده تولید می‌کند که این انواع عبارتند از: نفت خام دخان (DUKHAN)، نفت خام مارین قطر (QATARI MARINE)، نفت میعانی قطر (QATARI CONDENSATE) و الشاهین (AL-SHAHEEN). این انواع دارای درجات گرانشی پراکنده‌ای هستند که دامنه ۳۰ الی ۵۸ درجه API را در بر می‌گیرد. در مجموع تولید قطر پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۰۵ به میزان ۲۳ درصد افزایش یابد که در نتیجه صادرات این کشور نیز در این مدت ۱۲ درصد افزایش خواهد یافت. پیش‌بینی شده که تولید نفت خام میعانی قطر نیز تا سال ۲۰۰۵ نسبت به سال ۲۰۰۱ دو برابر شود. اما با توجه به پالایشگاه ۲۰۰ هزار بشکه در روز نفت میعانی که قرار است در قطر ساخته شود بخش چشمگیری از آن در داخل مصرف خواهد شد. در عین حالی که نفت خام‌های دخان و مارین همچنان عمده‌ترین نفت خام‌های صادراتی قطر خواهند بود، تولید نفت

الشاهین نیز در طول سال‌های اخیر به صورت قابل توجهی افزایش یافته است. انتظار می‌رود که این نفت خام در سال‌های آینده همچنان نقش عمده‌ای در ترکیب صادرات قطر داشته باشد. اغلب صادرات نفت خام قطر به منطقه آسیا-پاسیفیک ارسال می‌شود. به ویژه ژاپن که تقریباً ۵۶ درصد از کل صادرات قطر را در سال ۲۰۰۰ به خود اختصاص داد. برای مثال، نفت خام الشاهین به پالایشگرانی در ژاپن، کره جنوبی و سنگاپور فروخته می‌شود. نفت خام دخان با توجه به فرآورده‌های سبکی که از آن به دست می‌آید عموماً به مشتریان آسیایی فروخته می‌شود. به همین صورت، نفت خام مارین قطر نیز به طور سنتی از طریق قراردادهای مدت دار به ژاپن فروخته می‌شود.

مکانیزم قیمت‌گذاری نفت خام‌های خاورمیانه: گذشته، حال و آینده

موضوع مکانیزم قیمت‌گذاری در مرکز مباحث مربوط به تجارت نفت خام خاورمیانه، قرار دارد. در این بخش سعی می‌شود که مکانیزم فعلی قیمت‌گذاری نفت خام‌های خاورمیانه از لحاظ تاریخی مورد بررسی قرار گرفته و در پایان چشم‌انداز آینده آن ارایه شود.

قبل از دوره زمانی ۱۹۸۶ نفت خام سبک عربستان به عنوان شاخص اوپک برای فروش نفت خام‌های خاورمیانه به سرتاسر جهان استفاده می‌شد. هیچ‌گونه کنترلی از لحاظ مقصد نفت خام در هنگام قیمت‌گذاری صورت نمی‌گرفت و هر کسی نفت خام خود را با تفاوت قیمتی نسبت به نفت خام سبک عربستان به فروش می‌رساند. به هر حال این مکانیزم مورد سوء استفاده قرار گرفت زیرا این مکانیزم اجازه آن را می‌داد که شاخص قیمت را نادیده بگیرند یعنی نفت خود را بسیار ارزان‌تر از نفت خام سبک عربستان بفروشد و به این وسیله جایگزینی سهم بازار عربستان سعودی شوند. مدت زمان زیادی طول نکشید که نفت خام سبک عربستان نقش شاخص قیمت بودن خود را از دست داد.

در اواخر دهه هشتاد میلادی، روش استفاده از فرمول قیمت‌گذاری (PRICE FORMULA) برای تعیین قیمت نفت خام‌های صادراتی برگزیده شد. در روش قیمت‌گذاری فرمولی از سه شاخص برای فروش نفت خام خاورمیانه به مناطق مختلف استفاده می‌شد. از نفت خام وست تگزاس اینترمدیت (WEST TEXAS

INTERMEDIATE) برای فروش نفت خام به امریکا، از نفت خام برنت (BRENT) برای فروش نفت خام به اروپا از ترکیب نفت خام دبی و عمان نیز برای فروش نفت خام به آسیا-پاسیفیک استفاده می‌شد.

به طور کلی نفت خام شاخص (MARKER CRUDE) باید معیارهای مشخصی را داشته باشد. اول اینکه نفت خام شاخص باید بتواند از لحاظ درجه گرانشی و محتوای گوگرد نماینده همه نفت خام‌های جایگزینی باشد که در یک منطقه در دسترس خریداران است. علاوه بر آن می‌بایست حجم تولید آن چشمگیر باشد و سرانجام اینکه باید معاملات زیادی در مورد آن صورت گرفته و به ویژه در بازار فیزیکی مورد معامله قرار بگیرد. در ادامه بحث در مورد این موضوع به تفصیل مطالبی بیان خواهد شد.

نفت خام وست تگزاس اینترمدیت به صورت بین‌المللی مورد معامله قرار نمی‌گیرد، ولی به هر حال از اهمیت چشمگیری برخوردار است. زیرا اساسی‌ترین نوع نفت خامی است که برای قراردادهای معاملات آتی (FUTURES CONTRACT) نفت خام‌های سبک و شیرین در بازار بورس مورد استفاده قرار می‌گیرد. از سوی دیگر نفت خام برنت به عنوان یک شاخص بین‌المللی است که دارای بازارهای جا افتاده تک محموله (SPOT)، سلف (FORWARD) و آتی (FUTURES) است. حجم معاملات آتی نفت خام‌های برنت و وست تگزاس اینترمدیت (شامل معاملات اختیاری: OPTIONS) به صورت معاملات کاغذی (PAPER TRADE) به ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلیون بشکه در روز بالغ می‌شود. در حالی که معاملات فیزیکی آنها (PHYSICAL TRADE) به چیزی در حدود ۱/۵ میلیون بشکه در روز بالغ می‌شود.

بازار آسیا - پاسیفیک بازار منحصر به فردی است. زیرا فاقد یک بورس رسمی است که در آنجا خریداران و فروشندگان بایکدیگر ملاقات کنند و بنابراین قیمت‌های تعیین شده در این بازار نتیجه واقعگرایانه‌ای از عوامل اقتصادی این بازار نیستند، علاوه بر آن معاملات رسمی در مورد بشکه‌های کاغذی (PAPER BARRELS) به ویژه بازار آتی در آنجا وجود ندارد (اگر چه بازار سلف در آنجا وجود دارد) و همین موضوع باعث شده که شفافیت قیمت در آنجا کم شود. به این دلیل تولیدکنندگان خاورمیانه در حال حاضر برای تعیین قیمت نفت خام‌های خود که

به مناطق شرقی می‌فروشند از نفت خام‌های دبی و عمان استفاده می‌کنند. براساس سیستم فعلی، نفت خام دبی نفت خام عمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد بنابراین نقش نفت خام عمان بسیار جزئی است. قیمت فروش نیز به این صورت تعیین می‌شود که قیمت نفت خام شاخص بعلاوه و با منهای یک تفاوت قیمت می‌شود.

$P_{\text{export crude}} = P_{\text{marker}} + \text{Differential}$
در این فرمول $P_{\text{export crude}}$ همان قیمت نفت خام صادراتی است مثلاً نفت خام سبک عربستان و $P_{\text{marker crude}}$ هم قیمت تک محموله نفت خام شاخص است. مثلاً برنت و یا ترکیبی از قیمت نفت خام‌های دبی و عمان. شاید مهمترین جزء این فرمول همان تفاوت قیمت یا دیفرانسیل (Differential) است که توسط تولیدکننده نفت در خاورمیانه تنظیم و اعلام می‌شود. این دیفرانسیل معمولاً توسط عربستان سعودی تعیین شده و سایر صادرکنندگان خاورمیانه نیز آن را دنبال می‌کنند. این دیفرانسیل می‌تواند در صورتی که قیمت نفت خام صادراتی ارزان‌تر از قیمت نفت خام شاخص است، رقمی منفی بوده و یا در صورتی که گران‌تر از آن باشد عددی مثبت باشد. از لحاظ تئوریک دیفرانسیل باید تفاوت بین ارزش ناخالص فرآورده‌های (GROSS PRODUCT WORTH: GPW) نفت خام شاخص یا نفت خام صادراتی و تفاوت در هزینه حمل از نقطه مبدأ به نقطه مقایسه در نفت خام را نشان بدهد.

$$\text{Differential} = (\text{GPW}_{\text{marker}} - \text{GPW}_{\text{export}})$$

$+ (\text{FC}_{\text{export}} - \text{FC}_{\text{marker}})$
تفاوت در نفت خام شاخص و نفت خام صادراتی و تفاوت در هزینه حمل وجود دارد. به ویژه فرمول، بنابراین دیفرانسیل، قبل از زمان واقعی مبادله تنظیم می‌شود. این نکته بیانگر این مطلب است که ممکن است فرمول قیمت منعکس کننده قیمت واقعی فروش در زمان تحویل نباشد.

این ایده و نظریه را می‌توان با مشاهده تفاوت بین دیفرانسیل‌های محاسبه شده و دیفرانسیل‌های واقعی که بعداً تحقق یافته‌اند در طول یک دوره زمانی، مورد آزمایش قرار داد. بر این اساس می‌توان این فرضیه را به خوبی بررسی کرد که آیا دیفرانسیل‌ها براساس عوامل اقتصادی یعنی ارزش ناخالص فرآورده (GPW) و هزینه حمل تعیین می‌شوند و یا اینکه ملاحظات دیگری نیز در تعیین آنها نقش دارد.

عمده‌ترین واردکنندگان نفت خام عمان

در منطقه آسیا- پاسیفیک

کشورهای ژاپن، تایلند، کره جنوبی و چین هستند.

چین در سال ۲۰۰۰

بیش از یک سوم از

نفت خام عمان را خریداری کرد

نفت خام شاخص باید بتواند از لحاظ

درجه گرانبوی و محتوای گوگرد نماینده

همه نفت خام‌های جایگزینی باشد که در یک منطقه

در دسترس خریداران است. علاوه بر آن

باید حجم تولید آن چشمگیر باشد و سرانجام اینکه

باید معاملات زیادی در مورد آن صورت بگیرد

با توجه به محدودیت‌هایی که قیمت‌گذاری فرمولی در انعکاس قیمت واقعی نفت خام‌ها دارد و نمی‌تواند مانند مکانیزم قیمت‌گذاری متکی بر فرآورده (NETBACK PRICING) قیمت واقعی نفت خام‌ها را برآورد کند، ممکن است این سیستم قیمت‌گذاری مورد اعتراض قرار بگیرد. به هر حال چنین سیستمی یعنی سیستم قیمت‌گذاری نت‌بک درست قبل از معرفی سیستم قیمت‌گذاری فرمولی، مدت کوتاهی عمل شد.

مکانیزم قیمت‌گذاری نت‌بک مبتنی بر این نظریه است که ارزش نت‌بک (یعنی ارزش ناخالص فرآورده منهای هزینه حمل منهای هزینه متغیر پالایش) می‌بایست در قیمت فروش نفت خام منعکس شود. این سیستم که در اواخر سال ۱۹۸۵ اوج گرفت، به هر حال شکست خورد زیرا با مشکلات عملی روبرو شد. خیلی زود همه متوجه شدند که به توافق رسیدن در مورد فرآورده‌های حاصله از نفت خام، هزینه‌های پالایش، هزینه‌های حمل و نقل و سود پالایشی بین خریدار و فروشنده براضی صورت نمی‌گیرد و صراحت ندارد. از آن مهمتر اینکه سیستم نت‌بک منجر به سقوط شدید قیمت‌ها در سال ۱۹۸۶ شد. زیرا این انگیزه برای پالایشگران بوجود آمد که خوراک نفت خام خود را به حداکثر برسانند و با حداکثر ظرفیت کار کنند و بنابراین قیمت فرآورده‌ها به علت عرضه مازاد شروع به کاهش کرد و همین عامل باعث شد که ارزش نت‌بک نفت خام نیز کاهش یابد. بنابراین سیستم قیمت‌گذاری نت‌بک کنار گذاشته شد و به جای آن از سیستم قیمت‌گذاری فرمولی استفاده شد.

استفاده از فرمول‌های قیمتی مبتنی بر مقصد به شکل‌گیری سیستم جدا از هم برای قیمت‌گذاری نفت خام‌های خاورمیانه منجر شد،

یعنی یک نوع نفت خام معین براساس مقصدی که دارد (بر مبنای فوب) به صورت متفاوتی قیمت‌گذاری می‌شود. مشتریان آسیایی بطور سستی وضعیت نامساعدی دارند زیرا فروش نفت خام به مناطق شرق معمولاً با یک اضافه (PREMIUM) قیمت نسبت به شاخص نفت خام صورت می‌گیرد در حالی که فروش نفت خام به اروپا و آمریکا همراه با یک تخفیف نسبت به نفت شاخص انجام می‌شود. این دیفرانسیل‌ها بر مبنای فروش نفت خام سبک عربستان به آمریکا، اروپا و آسیا - پاسیفیک محاسبه می‌شود قیمت فروش با استفاده از دیفرانسیل‌هایی محاسبه می‌شود که توسط عربستان هر ماه اعلام می‌شود.

از بررسی دیفرانسیل‌ها چنین برمی‌آید که با مقایسه قیمت نفت خام سبک عربستان که به خاور دور ارسال می‌شود با قیمت همین نفت خام که به آمریکا صادر می‌شود (FE-US) و همچنین با قیمت صادراتی آن به اروپا (FE-EU) هماهنگی ندارد زیرا به خوبی مشاهده می‌شود که به طور کلی نفت خام فروخته شده به مناطق شرقی در مقایسه با نفت خامی که به اروپا و آمریکا فروخته می‌شود با یک اضافه قیمت همراه است و اساساً این اضافه قیمت به نام اضافه شرقی نامیده می‌شود.

(EASTERN PREMIUM). این اضافه شرقی در سال‌های اخیر بین ۲ الی ۵ دلار در بشکه نوسان داشته است. البته در چهار سال گذشته تفاوت قیمت نفت ارسال شده به آسیا و اروپا به نظر می‌رسد که تثبیت شده و یا در حال کاهش باشد. اما به هر حال به نظر می‌رسد این روند پایدار باشد (جدول ۳).

حمایت از این اضافه قیمت دللیلی است که باعث شده در قراردادهای مدت‌دار اجازه داده نشود که نفت خام خریداری شده مجدداً به

جدول ۳

تفاوت قیمت صادراتی نفت خام

سبک عربستان به خاور دور،

اروپا و آمریکا

(دلار/بشکه)

متوسط سال	تفاوت خاور دور-اروپا	تفاوت خاور دور-آمریکا
۱۹۹۴	۱/۰۳	۱/۰۷
۱۹۹۵	۱/۰۹	۱/۰۴
۱۹۹۶	۰/۵۲	۰/۵۲
۱۹۹۷	۱/۷۲	۱/۵۷
۱۹۹۸	۱/۰۳	۱/۰۴
۱۹۹۹	۰/۸۹	۱/۲۰
۲۰۰۰	۰/۸۸	۰/۴۴
۲۰۰۱ (تا به امروز)	۱/۰۲	۲/۸۰
متوسط ۱۹۹۴-۲۰۰۰	۱/۰۲	۰/۹۸

فروش برسد و بنابراین جلوی سودجویی احتمالی از این قیمت‌های متفاوت گرفته شود. به این صورت که خریداران آمریکایی و اروپایی نفت خام مزبور را مجدداً به فروش برسانند و از این تفاوت قیمت سود ببرند. در حال حاضر اعتبار نفت خام دبی به عنوان شاخص مورد سؤال قرار گرفته است.

زیرا حجم تولید آن در حال کاهش است و از ۴۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۱۹۹۰ به ۱۷۰ هزار بشکه در روز در سال‌های اخیر تنزل یافته و انتظار می‌رود به ۱۰۰ هزار بشکه در روز تنزل یابد. علاوه بر آن حقیقت دیگری نیز وجود دارد که نفت خام دبی شاخص مستقلی نیست. این وضعیت از آن جا به وجود آمد که از اواخر دهه هشتاد میلادی معاملات تفاوت قیمت‌ها

(SPREAD TRADING) به جای معاملات مستقیم (OUTRIGHT TRADING) رواج یافت. یعنی معاملات تفاوت (PREAD) قیمت بین نفت خام دبی و نفت خام سلف پانزده روزه برنت (15-DAY FORWARD BRENT) رواج پیدا کرد. در حال حاضر نیز نفت خام برنت عملاً مبنای ۹۵ درصد از مبادلات نفت است این موضوع نشان می‌دهد که نفت خام دبی بیشتر یک شاخص مشتق (DERIVED INDICATOR) است و نه یک شاخص مستقل (INDEPENDENT).

این مشکلات نیاز برای جستجوی شاخصی برای نفت خام صادراتی خاورمیانه به مناطق شرقی را گوشزد می‌کند. نفت خام عمان گزینه احتمالی برای جایگزینی نفت خام دبی است و برای این منظور به طور جدی مورد توجه قرار دارد. امتیاز نفت خام عمان نسبت به نفت خام دبی این است که سطح تولید بالاتر و با ثبات‌تری در حدود ۸۰۰ الی ۹۰۰ هزار بشکه در روز دارد و این تولید بالا باعث می‌شود که کمتر در معرض دستکاری قیمت قرار بگیرد.

دلایل متعددی وجود دارد که چرا نفت خام دبی به عنوان شاخص نفت خام برای فروش به مناطق شرقی انتخاب شده است. اول اینکه تولید نفت خام دبی از تنوع خوبی برخوردار بوده و بین شرکت‌های مختلف تقسیم شده است. یعنی شرکت کونوکو (CONOCO) ۳۰ درصد شرکت توتال (TOTAL) ۲۵ درصد شرکت ریسپسول (REPSOL) ۲۵ درصد و همچنین شرکت‌های دیگری تولید این نفت خام را در اختیار دارند. بنابراین فرض بر آن است که قیمت این نفت خام کمتر در معرض دستکاری یک تولیدکننده خاص قرار دارد.

علاوه بر آن تنها نفت خامی است که به صورت فعال در بازارهای تک محموله و سلف مورد معامله قرار داشته و دارد و در مجموع نماینده نفت خام‌های پرگوگرد و متوسط تا سنگین خاورمیانه است که به مناطق شرقی صادر می‌شود. پیش از این در ابتدا هر ماه ۲۵ محموله نفت خام دبی مورد معامله قرار می‌گرفت که البته در حال حاضر تقریباً به دوازده محموله کاهش یافته است.

به اختصار می‌توان گفت مکانیزم فعلی قیمت‌گذاری نفت به ویژه برای فروش نفت به مناطق شرقی نمایانگر خوبی برای نیروهای اقتصادی نبوده و نمی‌تواند در بلند مدت پایدار باشد. عوامل متعددی وجود دارد که رها کردن

این سیستم قیمت‌گذاری را تسهیل می‌کند. به عنوان مثال نیاز روز افزون به کاهش هزینه‌ها توسط پالایشگران آسیایی ضرورت معاملات رقابتی‌تری را مطرح ساخته است. علاوه بر آن روند افزایشی نفت خام‌های حوزه آتلانتیک (که براساس برنت قیمت‌گذاری می‌شوند) به کشورهای آسیا-پاسفیک ممکن است تولیدکنندگان خاورمیانه را تحت فشار بگذارد تا این اضافه شرقی را اگر حذف نمی‌کنند حداقل کاهش دهند. در سال ۲۰۰۰ بیش از ۹۰۰ هزار بشکه در روز از نفت خام حوزه آتلانتیک به منطقه آسیا-پاسفیک صادر شده است در حالی که در سال ۱۹۹۶ این مقدار فقط به ۶۰۰ هزار بشکه در روز بالغ می‌شد.

بنابراین کاملاً محتمل به نظر می‌رسد که در آینده این اضافه شرقی کاهش یابد.

تحول بالقوه دیگری که ممکن است اتفاق بیافتد، ایجاد یک بازار آتی معاملات نفت است، زیرا افزایش مبادلات به صورت بشکه‌های کاغذی باعث بهبود مکانیزم تعیین قیمت نفت خواهد شد.

در عین حالی که خریداران نفت خام‌های خاورمیانه در مورد نوسانات قیمت نفت خام دبی که ناشی از حجم پایین آن بوده و یا در اثر دستکاری قیمت آن است، شکایت دارند، صادرکنندگان نفت خام نیز خودشان چندان از نفت خام دبی دل خوشی ندارند.

صادرکنندگان نیز خودشان ترجیح می‌دهند، قیمت‌ها به جای نوسان داشتن و مغشوش بودن دارای شفافیت و ثبات باشند. دقیقاً به خاطر همین دلایل است که شرکت آرامکو سعودی (SAUDI ARAMCO) تصمیم گرفت که دیگر از نفت خام برنت موعده‌دار (DATED BRENT) در فرمول قیمت فروش نفت خود به اروپا استفاده نکنند و به جای آن از اول آوریل ۲۰۰۱ از میانگین وزنی قیمت نفت خام برنت^۱ در بازار بورس بین‌المللی نفتی لندن استفاده کرد و به دنبال آن کویت و ایران نیز از همین قیمت (BWAWE) استفاده کردند. میانگین وزنی قیمت نفت خام برنت در قراردادهای آتی توسط بورس بین‌المللی نفتی لندن (IPE) منتشر می‌شود. این قیمت مبتنی بر متوسط وزنی براساس حجم قراردادهای آتی نفت خام برنت است. این بحث مطرح شده که قیمت نفت خام برنت به دست آمده از این طریق در مقایسه با قیمت برنت موعده‌دار از ثبات بیشتری برخوردار است.

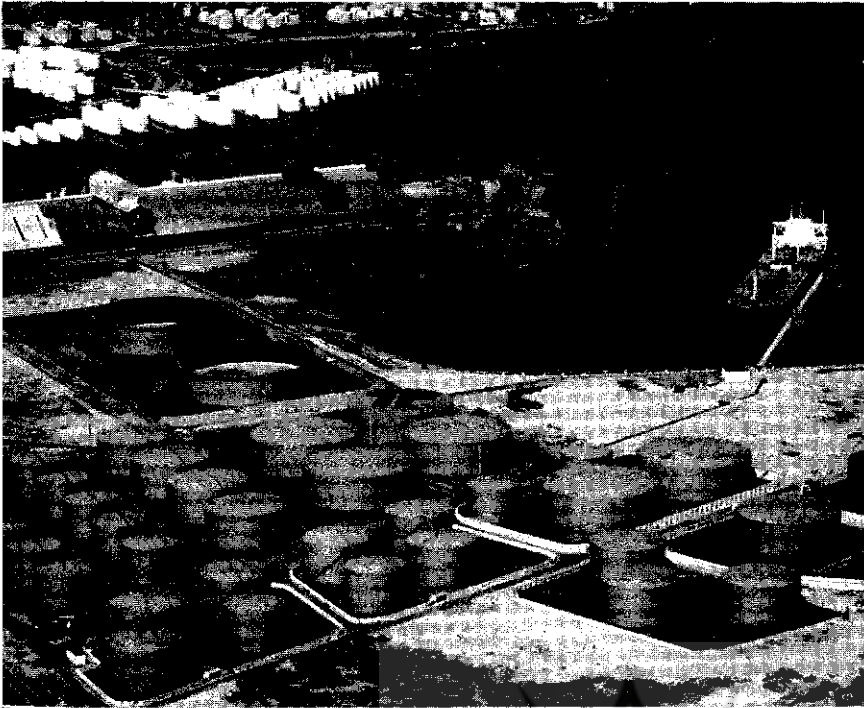
در ادامه جستجو برای یافتن سیستم قیمت‌گذاری با ثبات، تولیدکنندگان اوپک مکانیزم محدوده قیمت (PRICE BAND MECHANISM) را برگزیدند. این مکانیزم در سه ماهه اول سال ۲۰۰۰ معرفی شد.

هدف از این مکانیزم اداره قیمت‌های اوپک در محدوده ۲۸-۲۲ دلار در بشکه است. شکسته شدن این محدوده قیمت منجر به عملکرد خودکار تولید می‌شود. اگر قیمت‌ها به مدت بیست روز فراتر از محدوده ۲۸-۲۲ دلار در بشکه قرار بگیرد، تولید اوپک ۵۰۰ هزار بشکه در روز افزایش خواهد یافت و اگر به مدت ۱۰ روز متوالی در سطحی پایین‌تر از محدوده ۲۸-۲۲ دلار در بشکه قرار بگیرد، تولید اوپک ۵۰۰ هزار بشکه در روز کاهش خواهد یافت.

محدودیت‌های جدی این سیستم در حوادث اخیر آشکار شد. در واقع بعد از حمله تروریستی به امریکا فقط در طی یک روز قیمت‌های نفت آنچنان دچار کاهش شد که در دهه گذشته سابقه نداشت و اوپک هنوز به دلیل اوضاع رشد اقتصادی جهان از اعمال تعدیل خودکار تولید خودداری کرده است. در حال حاضر تأثیرگذاری مکانیزم محدوده قیمت مورد سؤال قرار گرفته و به طور زایدالوصفی تغییرات بنیادین در این مکانیزم ضروری به نظر می‌رسد. در این میان نشریه نفتی پلاتس (PLATT'S) که قیمت‌های نفت خام و فرآورده را از بازار آسیا-پاسفیک گزارش می‌کند، گزارشی در مورد یک سیستم قیمت‌گذاری جدید ارائه داده است.

این نشریه اخیراً اعلام کرده است از شانزدهم نوامبر ۲۰۰۱ ارزیابی قیمت نفت خام دبی مجدداً تعریف خواهد شد و از این تاریخ پلاتس انقضای ارزیابی قیمت نفت خام دبی را از دو هفته زودتر شروع می‌کند، این کار اجاره می‌دهد فروشندگان، نفت خام عمان را به جای نفت دبی تحویل دهند که می‌بایست در زمان اجرای قرارداد اعلام شود. هدف انقضای زودتر این است که برهه تجاری نفت خام دبی با سایر نفت خام‌های خاورمیانه هماهنگ شود. این بحث مطرح شده که جایگزینی نفت خام عمان به جای نفت خام دبی، به دلیل حجم بالاتر معاملات عمان، احتمال دستکاری قیمت را کاهش می‌دهد.

البته صنعت نفت نظراتی راجع به این موضوع دارد اما همه دست‌اندرکاران، از جمله صادرکنندگان کلیدی خاورمیانه، تمایل دارند که



از پیشنهاد نشریه نفتی پلاتس به عنوان یک راه حل موقت استقبال نمایند. بعد از گذشت مدت زمانی صادرکنندگان و واردکنندگان این نکته را ارزیابی خواهند کرد که آیا پیشنهاد پلاتس برایشان قابل قبول است یا خیر و دولت عمان نیز تصمیم خواهد گرفت که آیا نفت خام عمان به عنوان شاخص برای قیمت‌گذاری نفت خام بکار گرفته شود یا خیر.

دولت عمان می‌گوید تمایل دارد که این گزینه را مورد توجه قرار دهد اما تا الان در این مورد بسیار محتاطانه عمل می‌کند.

بعد از این بحث‌ها هنوز دقیقاً معلوم نیست نفت خام عمان به عنوان شاخص نفت از چه مزیتی برخوردار خواهد بود. شاید فقط کسب شهرت و پرستیژ باشد. البته این احتمال نیز وجود دارد که حجم معاملات نفت خام عمان به اندازه کافی زیاد باشد تا بتواند به تنهایی شاخص نفت خام باشد و یا به صورت پنجاه/پنجاه به همراه نفت خام دبی این نقش را ایفا کند. بالاخره تا اوایل سال ۲۰۰۲ سرنوشت شاخص قیمت نفت خام خاورمیانه برای صادرات به مناطق شرقی و وضوح بیشتری خواهد یافت. نفت خام عمان نیز تنها گزینه برای شاخص شدن نیست. پیشنهادهای دیگری در مورد به کارگیری نفت خام‌های وست تگزاس اینترمدیت و برنت هم وجود دارد. همچنین علاوه بر نفت خام عمان، نفت خام‌های الشاهین، نفت خام متوسط عربستان و نفت خام زقوم علیا نیز مطرح شده‌اند.

به هر حال یک چیز مشخص است و آن اینکه احتمالاً اضافه شرقی در حدود یک دلار بشکه در یک یا دو سال آینده توسط خریداران شرق پرداخت خواهد شد و فرقی نمی‌کند که در فرمول‌های قیمت‌گذاری از نفت خام دبی استفاده شود یا نفت خام عمان، آنچه که ممکن است تغییر کند، نوسانات قیمت نفت خام شاخص است که به علت دستکاری در قیمت آن ایجاد می‌شود و الا اضافه قیمت مزبور تغییری نخواهد کرد. سرانجام این سؤال نیز ممکن است مطرح شود که آیا هیچگونه تعدیلی در مورد اضافه قیمت شرقی صورت خواهد گرفت یا خیر؟ پاسخ به این سؤال به نقطه نظرات مختلفی بستگی دارد. عقیده خریداران آسیایی این است که اضافه قیمت مزبور غیرمنصفانه و نامعقول است و قیمت‌های بالاتر برای مناطق شرقی آن هم در زمانی که سود پالایشی در حال کاهش است غیرقابل تحمل است. علاوه بر آن آسیایی‌ها

بتوان در مورد تعدیل این اضافه قیمت شرقی برای دوره بعد از ۲۰۰۵ یا حتی زودتر از آن اظهار نظری کرد. اما این نکته مسلم است که در حال حاضر اضافه قیمت شرقی وجود دارد و خریداران آسیایی مجبور به پرداخت آن هستند.

جهت‌گیری آینده

نفت خام خاورمیانه همچنان برای سال‌های متمادی که در پیش رو داریم نقش مسلط خود را حفظ خواهد کرد.

واقعا هیچ سناریویی وجود ندارد که براساس آن باوجود افزایش تولید نفت آسیای مرکزی و افریقا، نقش نفت خام‌های خاورمیانه کاهش یابد.

نفت خاورمیانه به کدام مناطق جریان خواهد یافت؟ جایگاه طبیعی نفت خام خاورمیانه، آسیا است. البته مقادیر عمده نفت خام‌های عربستان و عراق که به آمریکا صادر می‌شوند اقتصادی نبوده بلکه به علت اجرای سیاست‌های خاص این صادرات صورت می‌گیرد. نفت خامی که به آمریکا صادر می‌شود گاهی اوقات تا ۴ دلار در بشکه کمتر از قیمت همان نفت خام است که به آسیا می‌رود. این اضافه قیمت موسوم به اضافه شرقی در حدود یک دلار در بشکه برای نفت خام‌هایی است که در مقایسه با آسیا به اروپا صادر می‌شود.

جهت‌گیری صادرات عمیقاً متأثر از سیاست‌ها و مقررات وضع شده است.

این نکته را نیز گوشزد می‌کنند که صادرات فرآورده اروپا از مدیترانه (به ویژه گازوئیل) با فرآورده‌های جنوب شرقی آسیا رقابت می‌کند زیرا نفت خام‌های خاورمیانه برای اروپایی‌ها ارزانتر تمام می‌شود و آسیایی‌ها این موضوع را غیرمنصفانه می‌دانند.

صادرکنندگان خاورمیانه به این موضوع به صورت دیگری نگاه می‌کنند. آنها اضافه قیمت شرقی را چیزی به جز واقعیت بازار نمی‌دانند. آسیایی‌ها هیچگونه جایگزین بهتری از نفت خام‌های خاورمیانه ندارند و واردات از حوزه آتلانتیک فقط می‌تواند رقابت محدودی ایجاد کند.

زیرا پالایشگاه‌های آسیایی برای نفت خام‌های خاورمیانه طراحی شده‌اند. اگر آسیایی‌ها هرگونه جایگزین واقعی داشتند از آن حتماً استفاده می‌کردند و به هر حال آنها هیچ چاره‌ای به جز پرداخت این اضافه قیمت شرقی ندارند.

البته تا حدودی هر دو طرف درست می‌گویند. آسیایی‌ها از این موضوع (پرداخت اضافه قیمت) زنج می‌برند زیرا سود پالایشی آنها پایین است اما چاره‌چندانی ندارند. در بلند مدت نمی‌توان در وضعیتی که بازار نفت خام منطقه‌ای است، بازار فرآورده جهانی باشد. با توجه به اینکه تا سال ۲۰۰۵ بازارهای فرآورده به علت هماهنگ شدن استانداردها به صورت جهانی در می‌آیند، قیمت‌های نفت خام نیز می‌بایست جهانی شوند از لحاظ تئوریک مشکل است که

کنترل‌های مربوط به مقصد نفت خام صادراتی و قیمت‌گذاری فرمولی در بازار جهانی نفت، رفتاری غیر طبیعی است. این روش قیمت‌گذاری برای سال‌های متعددی اجرا شده است و برای سال‌های متعددی آینده نیز دنبال خواهد شد. اما زمان آن رو به پایان است. دیر یا زود نفت خامی از خاورمیانه یا سیدی از نفت خام‌ها به عنوان شاخص قیمت‌گذاری ظهور خواهد کرد. در آن زمان عوامل اقتصادی جریان نفت را تعیین خواهند کرد و ماهیت صادرات نفت به غرب تعادل پیدا خواهد کرد. نفت خام‌های خاورمیانه به تدریج تمایل دارند که بر جایگاه طبیعی خود یعنی بازار آسیا متمرکز شوند.

نظریه کارشناسی

مقاله‌ای که توسط آقای فریدون فشارکی و حسان وحیدی در مورد تجارت نفت خام در خاورمیانه و قیمت‌گذاری فرمولی ارایه شده است حاوی مطالب مهمی است. هر چند مقاله حاضر راه حل عملی برای مشکلات قیمت‌گذاری نفت خاورمیانه ارایه نمی‌دهد اما به صورت فهرست‌گونه، موضوعات مهم و مطرح در تجارت نفت خام منطقه را بیان می‌کند.

براساس پیش‌بینی مقاله حاضر افزایش ظرفیت تولید منطقه خاورمیانه شامل کشورهای عربستان، جمهوری اسلامی ایران، عراق، امارات، کویت، قطر و منطقه بی طرف، در محتمل‌ترین سناریو تا سال ۲۰۰۵ به میزان ۳/۶ میلیون بشکه در روز خواهد بود و این در حالی است که اوپک در حال حاضر ناچار شده است برای حفظ قیمت‌های نفت خام سقف تولید خود را به میزان ۵ میلیون بشکه در روز (با توجه به تصمیمات اجلاس یکمصد و هجدهم اوپک) کاهش دهد. حال چنانچه سناریوی پایه ارایه شده در این گزارش تحقق یابد، مجموع ظرفیت مازاد در کشورهای اوپک به ۸/۵ میلیون بشکه در روز خواهد رسید و در صورت تحقق سناریوی بالا مقدار ظرفیت مازاد به ۱۱ میلیون بشکه در روز بالغ خواهد شد. با توجه به رشد اندک تقاضا که در سال ۲۰۰۱ تقریباً معادل صفر بوده است و در سال‌های آینده یعنی سال‌های ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۵ حداکثر ۱/۵-۱ میلیون بشکه در سال خواهد بود، اوپک در سال‌های آینده با ظرفیت مازاد چشمگیر روبرو خواهد بود که حفظ آن از یک سو هزینه سنگینی در بر داشته و

از سوی دیگر همواره تهدیدی به صورت اضافه تولید و در نتیجه کاهش قیمت‌ها خواهد بود. بنابراین به نظر می‌رسد سازمان اوپک می‌بایست موضوع افزایش ظرفیت و برآورد تقاضا را مورد بررسی و تجدید نظر جدی قرار دهد.

یکی دیگر از مسایل مهم و قابل توجهی که در این مقاله مورد اشاره قرار گرفته است موضوع آیسند بازار نفت خام خاورمیانه است که چشم‌انداز ارایه شده نشان می‌دهد، بازار آسیا یکی از عمده‌ترین بازارهای نفت خاورمیانه خواهد بود. بنابراین در آینده میان مدت بازاریابی نفت خام کشورمان با رقابت جدی تولیدکنندگان خاورمیانه در بازار آسیا برای کسب سهم بازار روبرو خواهد شد. این رقابت برای بازاریابی نفت خام کشورمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا با توجه به تحریم‌های امریکا بر علیه صنعت نفت کشورمان، ایران تنها می‌تواند نفت خام خود را به آسیا و یا اروپا صادر کند. بنابراین ضروری است که بازاریابی شرکت ملی نفت ایران حداکثر تلاش خود را برای نفوذ در بازار آسیا بکار گیرد. اهمیت بازار آسیا در جذب صادرات نفت خام خاورمیانه باعث شده است که کشورهای نظیر عربستان و کویت و سایر تولیدکنندگان منطقه تلاش روزافزونی برای نفوذ در این بازار اعمال کنند به عنوان مثال عربستان برای تضمین بازار خود به خرید پالایشگاه در آسیا اقدام کرده است. بنابراین ضروری است که اقدامات این کشورها در نفوذ به بازار آسیا به طور جدی مورد مطالعه مستمر قرار بگیرد. زیرا در آینده نزدیک با رقابت قطعی آنها در این منطقه روبرو خواهیم شد. بکارگیری دیپلماسی نفتی یکی دیگر از ابزارهای است که می‌تواند به تثبیت جایگاه نفت کشورمان در بازارهای بین‌المللی و به ویژه آسیا بیانجامد. به هر حال طراحی یک برنامه جامع در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

موضوع شاخص قیمت‌گذاری نفت خام خاورمیانه نیز یکی از موضوعاتی است که به طور مفصل در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد برای طراحی نفت خام شاخصی که بتواند نمایندگی قابل‌پذیرشی برای نفت خام‌های منطقه خاورمیانه داشته باشد همکاری تولیدکنندگان نفت خاورمیانه کاملاً ضروری باشد. بدون تردید بدون توافق همه تولیدکنندگان منطقه معرفی شاخصی برای نفت خام نمی‌تواند از مقبولیت همگانی برخوردار باشد و به طور پایدار استفاده از آن استمرار یابد. با توجه به نقش عمده‌ای که تولیدکنندگان نفت

خاورمیانه در سازمان اوپک دارند، می‌توانند طراحی این نفت خام شاخص را از طریق سازمان اوپک دنبال کنند و به نتیجه قابل‌قبولی دست یابند. این مقاله به صورت اجمالی به موضوع مکانیزم کنترل قیمت و تولید خودکار اوپک نیز اشاره‌ای دارد. معرفی این مکانیزم یکی از مهمترین دست‌آوردهای اوپک در دهه اخیر بوده است که به طور همزمان می‌تواند تولید و قیمت را کنترل کند. متأسفانه در ماه‌های اخیر اجرای این مکانیزم به تعویق افتاد. در حالی که این مکانیزم توانست در سال‌های ۱۹۹۹ الی اواسط ۲۰۰۱ قیمت‌ها را تا حد مطلوبی تثبیت کند. به نظر می‌رسد سازمان اوپک نمی‌بایست این مکانیزم را کنار بگذارد بلکه با تعریف مجدد محدوده قیمت با توجه به شرایط فعلی بازار نفت، استفاده از آن را ادامه دهد. تثبیت قیمت‌ها در یک محدوده معین این مزیت را دارد که می‌تواند یک جریان درآمدی تثبیت شده را برای کشورهای صادرکننده نفت، به ویژه اوپک به همراه داشته باشد و از نوسانات شدید قیمت که می‌تواند آسیب‌های جدی برای این کشورها (که وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی خود دارند) داشته باشد، جلوگیری کند. علاوه بر آن وجود چنین مکانیزم خودکاری می‌تواند از فشارهای سیاسی که به سازمان اوپک برای تغییر سقف تولید اعمال می‌شود، بکاهد. به هر حال امید می‌رود که سازمان اوپک مجدداً با تعدیل این مکانیزم و بکارگیری آن، از مزیت‌های آن برخوردار شود.

منبع:

FEREIDUN FESHARAKI & HESSAN VAHIDY, "MIDDLE EAST CRUDE OIL TRADE & PRICING", MEES FORNULA, 22.OCT.2001.

پی‌نوشت:

BRENT WEIGHTED AVERAGE: BWAVE